

## سخن سر دایر

محمدجواد رودگر

---

شناخت اندیشه و آثار استاد شهید مطهری دست‌کم در سه مرحله تطوری و تکاملی ممکن خواهد بود:

الف) مرحله مطهری‌خوانی؛

ب) مرحله مطهری‌پژوهشی؛

ج) مرحله مطهری‌شناسی.

در مرحله سوم است که می‌توان مدعی درک و دریافت منظومه فکری و هندسه معرفتی استاد شهید شد و درخصوص آثار، اندیشه و آرای ایشان اظهار نظر کرد. دست‌یابی به مرحله سوم نیز با روش و رویکرد «تحلیلی-ترویجی» که وجه غالب دهه‌های اول پس از شهادت استاد شهید بود، ممکن نیست؛ بلکه بایسته است مواجهه با گفتار و نوشتار و در نتیجه انظار شهید عزیز، با روش و رویکرد «تحلیلی- تطبیقی» که در دهه‌های اخیر رواج یافته است، صورت گیرد تا نه گرفتار تحویل‌گرایی اندیشه‌های مطهری و نه دچار مصادره به مطلوب کردن آرای استاد شهید مطهری شویم. به هر حال در دوره

نوین حصول نظر و نظریه‌ها و گفتمان فکری استاد شهید امری مهم‌تر و ضروری‌تر خواهد بود. اکنون نیز شایسته است استاد شهید مطهری در عرصه «علم دینی» با قرائت جدید و معنای امروزی در ادبیات تولید علوم انسانی اسلامی، «حضور» داشته و «غایب» نباشد؛ زیرا حضور استاد شهید نقش کلیدی در فهم و تولید علم دینی خواهد داشت و رسیدن به چنین مقصودی تنها با روش «تحلیلی - تطبیقی» و با هدف معرفت به منظومه فکری استاد، براساس منطق ترکیبی «اصطیادی - استنباطی» ممکن است. آری، شاید نتوان با منطق «استنادی» از آن متفکر و عالم دینی برجسته که نقش «فیلسوف متکلم» را در ساحت معرفت اسلامی ایفا می‌کرد، موضوع علم دینی را در کتب مفید و سازنده‌اش ردیابی کرد، ولی با منطق «اصطیادی» و از منظر «مبانی»، «منابع» و «متد» در ساحات و سطوح مختلف فکری‌اش می‌توان معارف عمیق و دقیقی را در اختیار اصحاب علم و اهالی معرفت دینی قرار داد و با منطق «استنباطی» به حقایق بنیادینی در کشف و تولید علم دینی دست یافت و از «نظریه علم دینی» آن شهید عزیز سخن به میان آورد.

از سوی دیگر، چون «نظریه فطرت» که استاد شهید آن را «المعارف» نامید و در نگاه ایشان «منطق فطرت اساس معارف اسلامی» بود و برای ایشان نظریه فطرت اهمیت خاص و سرنوشت‌سازی دارد که به هر مناسبتی اهتمام خویش را بر تبیین آن و نقد نظریات مقابل قرار می‌دهد و در برخی مواضع تعبیر «نظریه فطری خودمان» (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۳۲، ص ۱۸۰) یا «نظریه خودمان» (همان، ص ۱۸۱) را به کار می‌برد و در برخی موارد نیز از فطرت تعبیر به «روح» می‌کند

و کاملاً به نقش و کاربست آن در مسائل گوناگون دانش‌هایی چون اخلاق، تاریخ و فلسفه تاریخ، تعلیم و تربیت، معرفت‌شناسی و... آگاهی داشته و تبیین می‌کرد و آنها را مانند نهرهایی می‌داند که از فطرت سرچشمه می‌گیرد و از عدم بحث و تحقیق در مسئله فطرت اظهار تأسف می‌کرد و فطرت را با واژه‌هایی چون «فَطَّرَتَ اللَّهُ» (روم: ۳۰)، «صَبَّغَةَ اللَّهُ» (بقره: ۱۳۸)، آیات «ذر» (اعراف: ۱۷۲) مورد توجه و تدقیق قرار می‌دهد و خویش را «فیلسوف فطرت» می‌داند (رودگر، ۱۳۸۴، ص ۵۲). بایسته و شایسته است بر مدار و با معیار «نظریه فطرت»، علم دینی را از مجموعه آثارشان کشف، تولید و تبیین کرد تا با عنصر «توصیف» و «توصیه» نظریه ایشان، علم دینی «توسعه» و «تعمیق» یابد.

اکنون با ایجاد بستر مناسب و ذهنیت مثبت و با هدف دست‌یابی به نظریه علم دینی استاد شهید مطهری با روش ترکیبی یادشده در «کتاب نقد» که فصلنامه‌ای در حوزه علوم انسانی اسلامی است و برخی شماره‌های پیشین آن به بررسی و نقد نظریه علم دینی و نظریات برخی عالمان دینی در ساحت علم دینی اختصاص یافت، درصدد برآمدیم در یکصدمین سالروز تولد آن متفکر شهید و چهلمین سالگرد شهادت پرخیر و برکتش، مقالاتی در این زمینه تولید کرده و گفت‌وگویی ترتیب دهیم تا تمهیدی برای حضور علمی و معنوی شهید مطهری و زمینه‌ساز خوانش آثار و آرای معطوف به علم دینی ایشان قرار گیرد.

مقالاتی که در این شماره درج شده و عزیزان مطالعه می‌فرمایند، عبارت‌اند از:  
 ۱. نظریه فطرت و کارکردهای آن: در این مقاله ضمن اشاره به اینکه فطرت از بنیادی‌ترین بحث‌های قرآن و اساسی‌ترین مباحث در معارف اسلامی است،

به گونه‌ای که در افق اندیشه استاد شهید مطهری به «ام‌المسائل» موصوف شده، به این پرسش که «نظریه فطرت» در آثار و آرای استاد شهید چیست و چه جایگاه و کارکردهایی دارد، پاسخ داده شود که نظریه یادشده در همه حوزه‌های علوم الهی، فلسفه علوم، دین در ساحات اصول و فروع یا فقه اکبر، اوسط و اصغر و اخلاق و جاودانگی اخلاق و احکام، فلسفه‌های مضاف مثل فلسفه تاریخ، فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق بشر، فلسفه دین و... است و از تطور مفهومی خاصی در معانی لغوی-اصطلاحی، مقایسه‌ای با طبیعت و غریزه، تفاوت مبنایی و بنایی با سرشت برخوردار است که آن را دارای ویژگی‌ها و گرایش‌های منحصر به فردی کرده است. همچنین فطرت دارای کاربست و کارکردهای معرفتی-معنویتی یا علمی و عملی استثنایی در ساحات و سطوح مختلف تکامل انسان است.

۲. شهید مطهری و گام‌های پیش تولید علم دینی: در این مقاله منظور تحقق علم دینی و به‌ویژه علوم انسانی اسلامی طی سه گام «نقد علوم تجربی رایج»، «پژوهش‌های تام و وافر درباره پیرانگاره‌های علوم اسلامی» و «تولید رشته‌های علوم اسلامی» ضروری است. شهید مطهری به فراوانی، علوم تجربی رایج و پارادایم‌های حاکم بر آنها مانند پارادایم اثبات‌گرایی را نقد کرده است. در بخش پیرانگاره‌ها وی به رابطه علم و دین و همچنین معنای علم دینی پرداخته است.

۳. درآمدی بر امکان تولید علم جدید اسلامی براساس اندیشه استاد مطهری در فلسفه تاریخ: ماهیت این علم درحقیقت نوعی فلسفه تاریخ است؛ اما این فلسفه تاریخ، با نوع مشابه آن در تاریخ تفکر غرب تفاوت دارد و همچنین از

فلسفه تاریخ در غرب اسلامی نیز جدا می‌شود. وقوع تمدن جدید اسلامی که در بُعد عینی و عملی با پیدایش انقلاب اسلامی ایران توأم شده است، می‌تواند ما را به بُعد نظری و عمیق و ذهنی این «علم جدید» و استقلال و اهمیت و منزلت آن رهنمون گردد. این مسائل در «فلسفه الهی تاریخ» و نویسندگان و مبتکران استاد مطهری - که خود شاگرد محقق و صاحب‌رای استاد علامه طباطبایی و امام خمینی علیه السلام، دو نماینده فکری و عملی تمدن جدید اسلامی، بوده - به هم می‌پیوندد. این مقاله با مروری بر ارزش‌ها و سیر این تحول فکری مهم و حلقه مفقود، می‌خواهد صورت مسئله جدیدی را از این منظر معلوم نماید.

۴. علم دینی از دیدگاه استاد شهید مطهری: این مقاله بر محور سه پرسش اصلی که عبارت است از: چیستی علم دینی، چگونگی و روش آن، با تکیه بر انسان‌شناسی و فطرت (خاستگاه معرفت و گرایش‌ها) واکاوی می‌شود.

۵. منطق علم دینی از منظر شهید مطهری: هدف این مقاله، استخراج و استنباط روش و سازکار تولید علم دینی با توجه به منظومه فکری و شیوه شهید مطهری است.

۶. علم اجتماعی سکولار از چشم‌انداز نقد ساختارشکنانه (مواجهه انتقادی استاد مطهری با رویکرد غربی به علم اجتماعی): در این مقاله بدین نکته اشاره شده که از آنجا که آیت‌الله مرتضی مطهری با مسئله‌های «علوم انسانی» و از جمله «علم اجتماعی»، دست‌به‌گریبان بود و می‌کوشید پاسخ‌های اسلامی برای پرسش‌های اساسی آن بیابد، می‌توان راه ناتمام وی را بر مبنای نوشته‌هایش ادامه داد و از طریق بسط و امتداددادن، به رهیافتی در این باره دست یافت؛ از این رو

«نقادی علم اجتماعی غربی» که یکی از شاخه‌های مهم «علوم انسانی غربی» که در قالب سه بخش «معرفت‌شناسی» و «هستی‌شناسی» و «هنجارشناسی» است مواجهه‌های انتقادی مطهری با آن، بیان شده است.

هرکدام از این نگاه‌ها از منظری به علم دینی پرداخته‌اند؛ مقاله اول توجه دادن به نظریه فطرت و کارکردهای آن در ساحت علم دینی، مقاله دوم گام‌های پیش‌تولید علم دینی که نقشی محوری در این حوزه خواهد داشت و مقاله سوم تبیین و تحلیل امکان علم دینی، مقاله چهارم علم دینی را از زوایای مختلف و مقاله پنجم منطق تولید علم دینی و مقاله ششم مواجهه انتقادی استاد مطهری با رویکرد غربی به علم اجتماعی را تحت عنوان علم اجتماعی سکولار از چشم‌انداز نقد ساختارشکنانه را در سه قالب «معرفت‌شناسی» و «هستی‌شناسی» و «هنجارشناسی» را مورد تحقیق و تدقیق قرار داده‌اند. همچنین در این شماره گفت‌وگویی صمیمانه بین برخی محققان و مطهری‌دوستان در موضوع علم دینی درج شد که ان‌شاءالله خواندنش مفید خواهد بود.

در پایان هم‌اندیشی و گفت‌وگوی علمی صمیمانه‌ای در موضوع «علم دینی در آثار و آرای استاد شهید مطهری» با حضور مجموعه نویسندگان مقالات یادشده و یکی دیگر از دوستان اهل فضل و آشنای به مبانی فکری استاد شهید انجام شد. در این گفت‌وگو بعد از طرح مقدمات بحث، پرسش‌هایی مثل: چیستی معنای علم دینی، تمایزات علم دینی، ظرفیت‌های تولید علم دینی از دیدگاه استاد مطهری، چیستی سازکار تولید علم دینی، چگونگی مناسبات علم دینی و علوم و منابع زیرساختی، امکان یا عدم امکان اصلاح علم موجود،

بین‌الذهانی بودن علم دینی و موارد مشابه طرح، تبیین و تحلیل شد.  
ناگفته نماند که مقوله علم دینی از منظر استاد شهید مطهری بر محور منطق  
بیان شده، نیاز به تحقیقات بیشتری دارد و لازمه حصول آن، برداشتن گام‌های  
بیشتر، بهتر و مهم‌تری است که امیدواریم مقالات کنونی تمهیدی بر آنها باشند.